جنایت وحشتناک در گرداب دوستی خیابانی

دختری «عروس» را آتش زد!

سید خلیل سجادپور – دختر ۱۷ ساله‌ای که در پی عشقی خیابانی، عروس خانواده را به آتش کشیده بود، پس از حدود سه ماه فرار خود را تسلیم قانون کرد و در اعترافاتی تکان دهنده پرده از این جنایت وحشتناک برداشت.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، صبح روز گذشته، دختر ۱۷ ساله‌ای در شعبه ویژه پرونده‌های جنایی مقابل میز عدالت ایستاد و در حالی که وانمود می‌کرد دچار عذاب وجدان شده است، در حضور قاضی ویژه قتل عمد مشهد به افشای یک جنایت تکان دهنده پرداخت. این دختر جوان که تاکنون تحت تعقیب پلیس و دستگاه قضایی بود، به قاضی دکتر صادق صفری گفت: با خانواده‌ام اختلاف داشتم به همین دلیل به من بی مهری می‌شد مدتی قبل از قوچان به مشهد آمدم و از سوی خانواده‌ام نیز طرد شدم. در این جا سرگردان بودم و در خیابان‌ها پرسه می‌زدم تا این که حدود سه ماه قبل در منطقه خواجه ربیع مشهد با جوان موتورسواری به نام «هادی - ط» آشنا شدم. این دوستی خیابانی ادامه یافت تا این که «هادی» مدعی شد با نامزدش اختلافات شدیدی دارد و قرار است او را طلاق بدهد. به همین دلیل از من خواست تا با هم به خانه‌اش برویم. من هم که دختری فراری بودم و جا و مکان درستی نداشتم به امید ازدواج و رهایی از این وضعیت اسفبار، با او همراه شدم. هادی مرا به منزلی در منطقه «دهنو» در انتهای بولوار وکیل آباد برد. این دختر نوجوان گفت: هادی ۲۱ ساله بود و نامزدش ۲۷ سال داشت و او ادعا می‌کرد به دلیل همین اختلاف سنی که با همسرش دارد، مدام با هم درگیر هستند و هرگز نمی‌تواند با او زندگی مشترکش را آغاز کند! او در طبقه بالای ساختمان محل سکونت پدرش زندگی می‌کرد و مرا هم به همان منزل برد. در این میان «خدیجه» متوجه ارتباط دوستی خیابانی من و هادی شد اما سکوت می‌کرد و نمی‌توانست به نامزدش اعتراض کند چرا که «هادی» او را تهدید به طلاق کرده بود!

من هم از این فرصت استفاده کردم و رابطه‌ام با «هادی» شیطانی شد. از سوی دیگر «هادی» با بیان این که قصد ازدواج با مرا دارد، نامزدش را در تنگنای طلاق قرار داده بود ولی دو روز مرا در خانه‌اش نگه داشت تا این که آن دختر (نامزد هادی) طاقت نیاورد و به من گفت: «زندگی‌ام را متلاشی نکن!» همین موضوع به مشاجره و درگیری بین ما منجر شد تا جایی که به من ناسزا گفت و توهین کرد. من هم که از این حرف‌ها عصبانی شده بودم، در حالی با حالت قهر از خانه بیرون آمدم که چشمم به ظرف حاوی بنزین افتاد که «هادی» برای موتورسیکلت از آن استفاده می‌کرد. در یک لحظه خشم سراسر وجودم را فرا گرفت. ظرف بنزین را به داخل خانه بردم و در حالی روی نامزد هادی ریختم که او دراز کشیده بود! سپس فندک را روشن کردم که ناگهان شعله‌های آتش گر گرفت و زبانه کشید. من هم بلافاصله پا به فرار گذاشتم و از آن خانه بیرون زدم. بعد از چند روز وقتی فهمیدم «خ» بر اثر آتش سوزی جان خود را از دست داده است، خیلی ترسیدم و مخفیانه زندگی می‌کردم تا پلیس مرا شناسایی نکند. در همین روزها به پارک ملت رفتم و تلاش می‌کردم از سربازانی که آن جا می‌آمدند به نوعی از سرنوشت «هادی» مطلع شوم چرا که فهمیده بودم او را در منطقه طرقبه شاندیز دستگیر کرده‌اند اما جرئت نداشتم خودم را معرفی کنم! تا این که بالاخره از این همه فرار و سرگردانی و زندگی مخفیانه در حالی خسته شدم که عذاب وجدان هم به سراغم آمده بود و نمی‌توانستم با این وضع به زندگی‌ام ادامه بدهم به همین دلیل تصمیم گرفتم خودم را تسلیم قانون کنم و به دادسرا آمدم تا حقیقت ماجرای قتل عروس آن خانواده را بیان کنم.

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است، به دنبال اعترافات تکان دهنده این دختر ۱۷ ساله، بی درنگ قاضی دکتر صفری دستور داد تا پس از تحویل چادری به متهم این پرونده جنایی که پوششی تقریبا مردانه داشت، وی برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گیرد. با انتقال عامل قتل عروس جوان به پلیس آگاهی، بررسی تخصصی درباره اظهارات و اعترافات وی زیر نظر سرهنگ نجفی (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) آغاز و مشخص شد که «هادی» پس از وقوع جنایت توسط نیروهای انتظامی دستگیر و در حالی با دستورات ویژه بازپرس شعبه سوم دادسرای عمومی و انقلاب طرقبه شاندیز راهی زندان وکیل آباد مشهد شده است که «مرضیه-ر» (متهم به جنایت) نیز تحت تعقیب قرار داشت.

بنابر گزارش روزنامه خراسان، از سوی دیگر نیز ادامه تحقیقات کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ «مرادی» بیانگر آن بود که حدود سه ماه قبل وقتی حادثه آتش سوزی رخ داد، امدادگران اورژانس پیکر سوخته «خ» را به بخش سوختگی بیمارستان امام رضا(ع) مشهد انتقال دادند اما او بر اثر عوارض ناشی از سوختگی جان سپرد و بدین ترتیب پرونده‌ای جنایی در حالی تشکیل شد که هادی و اطرافیانش درباره چگونگی وقوع آتش سوزی مدعی شده بودند که عروس خانواده به دلیل انفجار گاز دچار آتش سوزی شده است!

این در حالی بود که پس از بازداشت «هادی» با دستورات محرمانه قضایی و بازجویی‌های تخصصی از وی، ماجرای این جنایت هولناک فاش شد. به گزارش روزنامه خراسان، بررسی‌های بیشتر در این باره با نظارت مستقیم قاضی صفری ادامه دارد.

عکس اختصاصی خراسان
دختری که عروس را به آتش کشید

در امتداد تاریکی

فرجام ارتباط شیطانی!

روزی که در گروه فامیلی یکی از شبکه‌های اجتماعی با پسرعمویم پیامک بازی می‌کردم، جملات عاشقانه و ابراز علاقه به یکدیگر بر پیام‌های معمولی غلبه کرد اما خیلی زود این ماجرا به دیدارهای پنهانی و رسوایی کشید تا جایی که...

به گزارش روزنامه خراسان، دختر ۱۷ ساله که برای شکایت از پسرعمویش وارد کلانتری میرزا کوچک خان شده بود، در حالی که بیان می‌کرد اعتماد بی جا و حرف‌های عاشقانه مرا تا مرز رسوایی کشانده است به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری گفت: پدر و مادرم حدود ۲۰ سال قبل از افغانستان به ایران مهاجرت کردند و من در مشهد به دنیا آمدم و نهمین فرزند خانواده هستم.

پدرم نیز در زمینه تجارت کفش‌های زنانه فعالیت می‌کرد و درآمد خوبی داشت اگر چه پدر و مادرم بی سواد هستند و هیچ کدام تحصیل نکرده‌اند اما رفتارشان با یکدیگر سنجیده است و هیچ مشکل خانوادگی نداریم. در همین حال من هم ارتباط خوبی با هشت برادر و خواهر دیگرم داشتم و پدرم نیز تلاش می‌کرد تا خواسته‌های مرا برآورده کند. خلاصه کمبودی در زندگی احساس نمی‌کردم ولی علاقه‌ای هم به تحصیل نداشتم به همین دلیل در مقطع ابتدایی درس و مدرسه را رها کردم و اوقاتم را با خواهران و برادرانم می‌گذراندم.

در این میان ارتباط بسیار نزدیک و صمیمی با برادر کوچکم داشتم به گونه‌ای که او را محرم اسرارم می‌دانستم و در هر فرصتی برایش درددل می‌کردم تا این که روزی برادرم از درآمد کارگری‌اش یک دستگاه گوشی همراه هوشمند برایم خرید و به من هدیه داد.

از آن روز به بعد وارد فضاهای مجازی شدم و ساعت‌های زیادی را در گروه‌های مختلف شبکه‌های اجتماعی سپری می‌کردم تا این که وارد یک گروه فامیلی در تلگرام شدم و با بسیاری از بستگان و اطرافیانم پیامک بازی می‌کردم.

هر چه بیشتر در این گروه‌ها فعالیت داشتم احساس می‌کردم به سوی جنس مخالف کشیده می‌شوم به طوری که تصمیم گرفتم در میان این روابط خانوادگی با پسرعمویم صمیمی‌تر شوم چرا که برخی از فیلم‌ها یا تصاویر مبتذل در فضاهای مجازی مرا به سوی هوسرانی بیشتر سوق می‌داد. از سوی دیگر فرید هم با پیامک‌هایش به من ابراز علاقه می‌کرد. خلاصه ارتباط من و او در فضای مجازی به ارسال پیامک‌های عاشقانه کشید به طوری که دل باخته پسرعمویم شده بودم.

حالا دیگر ارتباط ما از فضاهای مجازی به دیدارهای پنهانی کشیده شده بود و هر بار که با هم قرار ملاقات می‌گذاشتیم فرید از ازدواج با من سخن می‌گفت و ادعا می‌کرد علاقه عجیبی به من دارد.

آرام آرام خواسته‌های نامتعارفی داشت اما من برای حفظ آبرویم در برابر خواسته‌های غیرمنطقی او مقاومت می‌کردم. با وجود این وقتی مرا تهدید به پایان این رابطه شیطانی کرد و بر خواسته‌هایش اصرار ورزید، ترسیدم مرا در این شرایط رها کند و از من جدا شود. او بالاخره مرا مجبور کرد تا به خواسته‌هایش عمل کنم ولی در حالی که دو ماه بیشتر از این ارتباط شیطانی نمی‌گذشت فرید ارتباطش را با من کمتر کرد و دیگر در هیچ کدام از این دیدارهای مخفیانه از ازدواج حرفی نمی‌زد. حتی بعد از مدتی تهمت‌های ناروایی به من زد که هیچ اعتمادی به من ندارد و نمی‌تواند با من ازدواج کند.

او مدعی بود همان گونه که با او ارتباط شیطانی داشته ام، پس به همین راحتی با دیگران نیز ارتباط برقرار می‌کنم. او با همین بهانه‌ها و تهمت‌ها به این رابطه پایان داد و به صراحت گفت: به دختری که در فضای مجازی به هر پسری دل می‌بندد هرگز نمی‌شود اعتماد کرد. او سپس مرا در حالی ترک کرد که هستی و آینده مرا به تباهی کشانده بود و من در مرز یک رسوایی بزرگ قرار داشتم.

از آن روز به بعد ناراحتی‌های روحی و روانی به سراغم آمد و به دختری گوشه گیر تبدیل شدم اما عذاب وجدان رهایم نمی‌کرد تا این که به ناچار ماجرای ارتباطم با فرید را برای برادر کوچکم باز گو کردم و تصمیم گرفتم دست به دامان قانون شوم اما ای کاش به آن جملات عاشقانه در فضاهای مجازی اعتماد نمی‌کردم و با وعده پوچ ازدواج آینده‌ام را به نابودی نمی‌کشاندم و....

گزارش خراسان حاکی است، به دستور سرهنگ علی عبدی (رئیس کلانتری میرزا کوچک خان) بررسی‌های تخصصی و قضایی این پرونده، به مشاوران کارآزموده کلانتری سپرده شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

در عملیات پلیس مشهد لورفت

نوجوانی سرکرده باند سارقان بزرگسال بود!

سجادپور– ماموران کلانتری آبکوه مشهد یک باند گسترده سرقت را در حالی متلاشی کردند که بررسی‌ها نشان داد، نوجوانی باند دزدان بزرگ سال سابقه دار را هدایت می‌کند.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، چند روز قبل افسران گشت انتظامی که به منظور برخورد قاطع با یغماگران اموال مردم و با دستورات ویژه سرهنگ احمد نگهبان (رئیس پلیس مشهد) وارد عملیات شده بودند، به یک دستگاه خودروی پژو پارس برخورد کردند که یک دستگاه دوچرخه بدون لاستیک را لابه لای صندلی عقب قرار داده بود. هوشیاری نیروهای گشت انتظامی و طرح چند سوال انحرافی نشان داد که دوچرخه مذکور سرقتی است و سرنشینان خودرو آن را از پارکینگ یک منزل در خیابان خیام ۶۲ به سرقت برده‌اند.

با لورفتن این ماجرا، دو متهم مذکور به مقر انتظامی هدایت شدند و با نظارت سرهنگ ابراهیم خواجه‌پور (رئیس کلانتری آبکوه) بازجویی شدند. متهمان اعتراف کردند از اعضای یک باند سرقت هستند و در مناطق بولوار شهید موسوی قوچانی و خیام دست به سرقت زده‌اند و سپس دوچرخه‌های مسروقه را نیز به یک مالخر حرفه‌ای در خیابان ابوطالب ۸۰ فروخته‌اند. در پی اعترافات دو متهم مذکور بلافاصله گروه ویژه‌ای از افسران تجسس به سرپرستی سروان طیوری (رئیس تجسس کلانتری) وارد عمل شدند و با کسب دستورات قضایی از قاضی فرهمند نیا (جانشین معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) مغازه بزرگی را شناسایی کردند که به شکل پارکینگ انباری از آن استفاده می‌شد.

بررسی‌های نامحسوس پلیس نشان داد مغازه مذکور پاتوق مالخران و سارقان است بنابراین آن‌ها در یک عملیات غافل گیرانه، پنج متهم را هنگام مصرف مواد مخدر دستگیر کردند که مشخص شد یک نوجوان هدایت باند سرقت را به عهده دارد که اعضای آن بین ۳۵ تا ۵۰ ساله هستند. در بازرسی از این مخفیگاه دزدان نیز علاوه بر کشف چند دستگاه موتورسیکلت و دوچرخه سرقتی، تعدادی مدارک شناسایی و کارت‌های سوخت نیز پیدا شد. بنابر گزارش روزنامه خراسان، با انتقال متهمان به کلانتری، راز چندین فقره سرقت از پارکینگ منازل هم در حالی فاش شد که متهمان با بریدن قفل موتورسیکلت و دوچرخه آن‌ها را می‌ربودند. از سوی دیگر نیز با شناسایی برخی مال باختگانی که مدارک شناسایی آنان در مخفیگاه سارقان سابقه دار کشف شده بود، ماجرای دستبرد اعضای این باند به محتویات داخل خودروها نیز لو رفت. از سوی دیگر ادامه تحقیقات نیروهای تجسس کلانتری آبکوه بیانگر آن بود که برخی از اعضای این باند متواری شده‌اند که تلاش پلیس با دستورات ویژه قاضی شعبه ۲۱۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد برای دستگیری آنان ادامه دارد. شایان ذکر است، سرکرده این باند روانه کانون اصلاح و تربیت شده است و اعضای دیگر باند نیز با صدور قرار وثیقه‌های سنگین به زندان انتقال یافتند تا بررسی‌های بیشتری درباره دیگر جرایم احتمالی اعضای این باند صورت گیرد.

سرقت خرما در خرماپزان!

۳ متهم در ریگان به دلیل سرقت ۲ تن خرما بازداشت شدند

توکلی_ در عملیات نیروهای پلیس ریگان و نرماشیر بیش از دو تن خرمای سرقتی نخل‌داران در گرمای بالای ۴۰ درجه کشف شد. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی ریگان بیان کرد: به دنبال گزارش یک فقره سرقت خرما در ساعات پایانی شب توسط یکی از باغ داران، بلافاصله گروه گشت انتظامی به نشانی مزبور عزیمت کردند. سرهنگ اسحاق دریجانی افزود: در این زمینه نیروهای پلیس آگاهی با انجام اقدامات اطلاعاتی سه متهم را در این خصوص دستگیر کردند و در ادامه نیز یک دستگاه خودروی پژو که سارقان از آن برای انجام سرقت استفاده می‌کردند، توقیف شد. وی با اشاره به این که سارقان در بازجویی‌های پلیس به پنج فقره سرقت از باغ‌های کشاورزی اعتراف کردند، گفت: بنا بر نظر کارشناسان ارزش تقریبی یک تن خرمای سرقتی بیش از ۳۳۰ میلیون ریال برآورد و در ادامه خرمای سرقت شده تحویل صاحبانشان شد. بنابراین گزارش، فرمانده انتظامی نرماشیر هم از شناسایی و دستگیری سارقان خرما با کشف یک تن خرمای سرقتی در عملیات پاسگاه «روداب شرقی» این شهرستان خبر داد. سرهنگ رضا زیدآبادی گفت: در پی گزارش یک فقره سرقت خرما در ساعات پایانی شب توسط یکی از مغازه داران خرید خرما در حوزه پاسگاه روداب شرقی، بلافاصله گروه گشت انتظامی به نشانی اعلامی اعزام شد. وی افزود: طی گشت زنی نامحسوس نیروهای پاسگاه روداب شرقی هویت سارقان را شناسایی کردند و در یک عملیات ضربتی به دام انداختند، که در این عملیات یک خودرو که در سرقت‌ها از آن استفاده می‌شد نیز توقیف شد. این مسئول انتظامی با اشاره به این که سارقان در بازجویی‌های پلیسی به سه فقره سرقت از مغازه‌های خرید خرما و نخلستان ها اعتراف کردند، بیان کرد: ارزش محصول خرمای سرقتی ۵۳۰ میلیون ریال برآورد و در ادامه خرمای سرقت شده تحویل صاحبانشان شد. وی خاطر نشان کرد: از ابتدای برداشت خرما، ۱۸ سارق خرما توسط واحدهای انتظامی این شهرستان دستگیر و تحویل مراجع قضایی شدند.

کلاهبرداری برادر برای تصاحب ارثیه ۱۵ میلیاردی پدر!

فرمانده انتظامی استان لرستان از دستگیری جاعل اسناد و مدارک و کشف یک فقره کلاهبرداری ۱۵ میلیاردی در شهرستان خرم‌آباد خبر داد. به گزارش رکنا، سردار «یحیی الهی» گفت: در پی اعلام شکایت فردی به پلیس آگاهی لرستان مبنی بر این که پدرش چند سال قبل فوت کرده است و برادرش برای اقدامات سودجویانه و کسب منافع مادی با تنظیم قولنامه‌ای صوری زمینی به مساحت یک هزار متر مربع ارثیه پدری را تصاحب کرده و به فرد دیگری فروخته است، رسیدگی به پرونده در دستور کار ماموران پلیس آگاهی قرار گرفت. فرمانده انتظامی استان لرستان افزود: با تلاش ماموران اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری و گرفتن قولنامه و اسناد مورد ادعا از شاکی و انجام اقدامات کارشناسی، جعل و دستکاری قولنامه محرز شد. سردار الهی تصریح کرد: ماموران بلافاصله وارد عمل شدند و پس از کسب مجوزهای لازم قضایی، متهم را در مخفیگاه خود دستگیر کردند. متهم در تحقیقات ابتدایی به جرم خود اعتراف کرد و پس از تکمیل پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شد.